

ایران و شبه جزیره کره: تداوم پراگماتیسم کلاسیک در سیاست خارجی

شیرزاد آزاد*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۲

DOI:10.22124/wp.2021.17070.2557

۴۱



سیاست جهانی، شماره ۵۳، زمستان ۱۴۰۰، شماره اول، بهار ۱۴۰۰، صفحات: ۴۱-۷۸

چکیده

به‌طور کلی، رهیافت ایران در قبال شبه جزیره کره رفتار نسبتاً غیرمتعارفی در مقایسه با الگوی کلی سیاست‌سازی خارجی آن بوده است. چه در دوره پهلوی و چه در زمان جمهوری اسلامی، ایران دارای جهت‌گیری نسبتاً کم‌رنگ ولی اغلب فعالی در قبال هم کره جنوبی و هم کره شمالی بوده است تا بتواند در آن منطقه خاص جغرافیایی تا حد ممکن به بسیاری از اهداف مدنظر خود در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، مالی، فناورانه، و فرهنگی دست پیدا کند. پژوهش حاضر ضمن تمرکز بر چارچوب تحلیلی پراگماتیسم، استدلال می‌کند که در شش دهه گذشته سیاست ایران نسبت به هر دو کره از نوعی پیوستگی و کارآمدی نسبی برخوردار بوده است، چرا که هدف اصلی تهران آن بوده است تا اهداف متعدد خود در شبه جزیره را بی‌سروصدا و تا حدودی با پرداخت هزینه‌ای کم تأمین نماید. مهم‌تر آنکه، سیاست ایران در قبال شبه جزیره کره، بویژه در دوره جمهوری اسلامی، و درس‌هایی که دیپلماسی کشور از تعاملات نسبتاً چندبعدی خود با هر دو کره بدست آورد، می‌توانست بعنوان الگوی الهام‌بخشی برای سیاست‌سازی خارجی نسبت به برخی دیگر از مناطق مهم دنیا، که دارای منافع حیاتی زیادی برای ایران هستند، مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ایران، کره جنوبی، کره شمالی، پراگماتیسم، سیاست خارجی

۱. عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران
* نویسنده مسئول: azad@um.ac.ir

مناسبات ایران و شبه جزیره کره دارای ویژگی‌های خاصی بوده که روابط این دو سرزمین را از بسیاری از الگوهای متداول تعامل در سیاست خارجی سایر ملل متمایز می‌سازد. یکی از این ویژگی‌های برجسته آن است که ایران توانسته است به‌طور هم‌زمان دارای مناسبات پیوسته با هر دو کشور شبه جزیره کره باشد، گرچه قلمرو و حجم تعاملات ایران و دو کره لزوماً یکنواخت و یکسو نبوده است. روابط ایران و کره شمالی بیشتر در حوزه‌های سیاسی و نظامی برجسته بوده است، و کمیت و کیفیت این عرصه‌های مطرح در مناسبات بین دو کشور نیز اغلب دارای پیچیدگی‌ها و پنهان‌کاری‌های پررمز و رازی بوده است. در مقابل، مناسبات ایران و کره جنوبی عمدتاً حول ابعاد اقتصادی و فرهنگی متمرکز بوده است، هر چند دو کشور در سایر حوزه‌ها نیز تعاملات قابل‌توجهی را تجربه کرده‌اند. بر این اساس، ایدئولوژی سیاسی در مناسبات تهران-پیونگ‌یانگ نقش فوق‌العاده‌ای داشته است، در حالی که چنین مؤلفه‌ای در تعاملات تهران-سئول تأثیر چندانی نداشته است. البته روابط ایران و کره جنوبی همواره از سیاست خاص خود پیروی کرده، ولی هر دو کشور عمدتاً فاکتور ایدئولوژی را در حوزه‌های اقتصادی، مالی، فناوری، و فرهنگی وجهه‌المصالحه منافع مدنظر و مهم خود کرده‌اند.

دومین ویژگی مهم روابط ایران و شبه جزیره کره آن است که مناسبات هر دو طرف در روزگار معاصر از پیوستگی و تداوم برخوردار بوده است، به‌طوری‌که ایران توانسته است از دهه ۱۳۴۰ به بعد با کره جنوبی و از دهه ۱۳۵۰ به بعد با کره شمالی نسبتاً در تعامل دائمی باقی بماند. بنابراین ایران هم در دوره پهلوی و هم در دوره جمهوری اسلامی روابط خود را با هر دو کره حفظ کرده است، چون در هر دو بازه زمانی مسائل و منافع قابل ملاحظه‌ای مطرح بوده‌اند. برای مثال، در دوره پهلوی زمانی کابینه وقت طرح مشارکت نظامی ایران در جنگ کره (۱۹۵۳-۱۹۵۰) در حمایت از کره جنوبی را به طور جدی مورد مشورت قرار داد، در حالی که مناسبات به ظاهر خیلی عمیق ایران و کره شمالی در دوره جمهوری اسلامی نیز از هزینه‌ها و مخاطرات گزاف احتمالی مصون نبوده است. به همین ترتیب، پیامدهای عظیم اقتصادی و اجتماعی حاصل از حضور بی حد و حصر برندها و کالاهای کره جنوبی در یک دو دهه اخیر ایرانیان زیادی را نگران ساخته، در حالی که ایرانیان بسیاری نیز از پیامدهای

غیرقابل پیش‌بینی ناشی از مناسبات بحث برانگیز ایران و کره شمالی برای منافع ملی کشور خود کم‌وبیش دغدغه و هراس داشته‌اند.

ویژگی سوم، و البته نه ویژگی نهایی، روابط ایران و شبه جزیره کره آن است که تفات‌های بین هر دو طرف در عرصه‌های مختلف به‌طور تعجب‌انگیزی بیشتر از مشترکات بین آنهاست. اگرچه فلات ایران و شبه جزیره کره هر دو به‌طور اجتناب‌ناپذیری در قاره بزرگ آسیا قرار گرفته‌اند، ولی به جز چنین ویژگی مشترک جغرافیایی دو طرف در حوزه‌های دیگر خیلی اشتراک عمیقی ندارند. در حقیقت، معمای نسبتاً منحصر به فرد مناسبات معاصر ایرانی‌ها و کره‌ای‌ها در آن است که دو طرف علی‌رغم ساختارهای خاص سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی خاص خود توانسته‌اند برای چندین دهه روابط عمیقی در حوزه‌ها مختلف برقرار و مدیریت نمایند، و نداشتن اشتراکات برجسته ایرانی‌ها و کره‌ای‌ها را از انجام برخی تعاملات عمیق در آن عرصه‌ها باز نداشته است. در عین حال، تفاوت‌های بارز و غیرقابل انکار بین دو طرف دولت‌ها غربی را از قراردادن ایرانی‌ها و کره‌ای‌ها در دسته‌بندی‌های واحد (به‌طور مثال، لیست "محور شرارت") باز نداشت. پژوهش حاضر ضمن تأکید بر مؤلفه مؤثر پراگماتیسم در سیاست خارجی ایرانی‌ها و کره‌ای‌ها، روابط بین دو طرف در حوزه‌های مهم در چند دهه گذشته را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد.

۱. چارچوب تحلیلی: نقش کارگزار پراگماتیسم در تعدیل فشار سیستمی

سیاست خارجی ایران نسبت به شبه جزیره کره هم از مؤلفه بیرونی و هم از مؤلفه درونی تأثیر پذیرفته است. عامل بیرونی به ساختار نظام بین‌الملل و تأثیر انگیزه‌ها و فشارهای متعدد سیستمیک در شکل دادن به رفتارهای سیاست خارجی ایران در مقابل کره جنوبی و کره شمالی مربوط است. مؤلفه درونی نیز به درک و شناخت سیاست‌گذاران خارجی ایران از جایگاه کشور خود در نظام بین‌الملل و نقش آن‌ها در تدوین و اجرای جهت‌گیری کلی ایران نسبت به شبه جزیره کره اشاره دارد. با وجود این، تا آنجا که به رابطه ایران و شبه جزیره کره مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد که نظام بین‌الملل همواره در صدد اعمال نقش و تأثیر مهمی در مشروط‌سازی رهیافت تهران در قبال سئول و پیونگیانگ بوده است (Erlich, 2019: 141). در واقع، ویژگی برجسته روابط ایران با دو کره در آن است که از اواخر دهه ۱۳۵۰ به

بعد تهران سعی داشته است تا با غلبه بر فشارهای سیستمیک به اهداف مهم سیاست خارجی خود در شبه جزیره کره دست بیابد.

از این رو با ملاحظه مؤلفه مؤثر نظام بین‌الملل و نقش تأثیرگذار عامل درونی، روشن می‌شود که رفتار تهران در قبال کره جنوبی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به میزان زیادی به سیاست اتحادسازی و جایگاه نسبتاً برتر ایران در نظام بین‌الملل در قیاس با کره جنوبی در آن زمان ارتباط داشت. به این دلیل بود که با تحول در سیاست اتحادسازی ایران در اواخر دهه ۱۳۵۰ و بازتعریف جایگاه آن در نظام بین‌الملل درخواست تهران برای خرید تسلیحات از سئول مورد بی‌توجهی قرار گرفت زیرا تعهدات اتحادسازی بین‌المللی کره جنوبی به این کشور اجازه انجام چنین کاری را نمی‌داد (Snyder, 2018: 11). از آن زمان به بعد، هر دو کشور ضمن توسل به نوعی پراگماتیسم درصدد بوده‌اند تا با جداسازی سیاست از اقتصاد هم به تعهدات اتحاد بین‌المللی خود پایبند بمانند و هم به منافع مدنظر حاصل از تداوم روابط دوجانبه دست پیدا کنند. با وجود این و در عین تأکید بر تداوم نقش مؤلفه پراگماتیسم در مناسبات هر دو کشور، هیچ تردیدی وجود ندارد که مشکلات اخیر به‌وجود آمده بین ایران و کره جنوبی در مسأله اعمال تحریم‌های اقتصادی به میزان زیادی به اتحاد امنیتی بلندمدت سئول و واشنگتن و همچنین به جایگاه و توانمندی‌های ارتقا یافته کره جنوبی در نظام بین‌الملل مرتبط است (Osiewicz, 2020: 79).

به همین ترتیب، ایران قبل از بهمن ۱۳۵۷ روابط سیاسی و اقتصادی خود با کره شمالی را اصلاً برجسته نساخت، ولی در اواخر دهه ۱۳۵۰ جمهوری اسلامی با وجود جهت‌گیری غلیظ ضدکمونیستی و شعار مشهور «نه شرقی، نه غربی» خود به سرعت به‌طور باورنکردنی به کره شمالی روی آورد (Kazemzadeh, 2020: 37). به همان دلایل پراگماتیستی، ایران و کره شمالی در طول چند دهه گذشته دارای مناسبات زیادی در حوزه‌های مختلف بوده‌اند، ولی دو کشور اغلب به افشای جزئیات روابط خود یا برجسته‌سازی آنها در رسانه‌ها و عرصه‌های بین‌المللی چندان تمایلی نشان نداده‌اند. تهران و پیونگیانگ در حالی به چنین رهیافت پراگماتیسمی در ارتباطات دوجانبه خود پایبند مانده‌اند که همواره در درون و به‌ویژه در خارج تمایلات و کنجکاوای‌های زیادی برای پی‌بردن به کم و کیف مناسبات ایران و کره شمالی وجود داشته است.

۲. از دوستی تا آشنایی و بسوی رفاقت: مناسبات بی‌وقفه سیاسی-دیپلماتیک با کره

جنوبی

در تاریخ معاصر، کره‌ای‌ها بودند که اولین گام‌های برقراری روابط رسمی دیپلماتیک با ایران را برداشتند. از جمله ابتکار عمل‌های کره جنوبی در این زمینه اعزام یک هیات حسن نیت از سوی اولین رئیس جمهور این کشور، سینگمان ری^۱، به حدود ۱۰ کشور واقع در خاورمیانه و شمال آفریقا در بازه زمانی ۲۶ فروردین تا ۳ تیر ۱۳۳۶ بود.

در بین تمام کشورهایی که هیات حسن نیت کره‌ای از آنها بازدید نمود، ایران به‌طور باورنکردنی تنها کشوری بود که کره جنوبی را قبلاً به رسمیت شناخته بود. در ادامه و پس از انجام چندین دور مذاکرات دوجانبه بین دو کشور، کره جنوبی سرانجام موفق شد تا در مهر ۱۳۴۱ روابط رسمی دیپلماتیک خود با ایران را برقرار نماید. کره جنوبی سپس در فروردین ۱۳۴۶ سفارت خود در تهران را افتتاح کرد. در مقابل، ایران خیلی رغبت زیادی به خرج نداد به‌طوری که در سال ۱۳۴۷ نورالدین کیا سفیر ایران در ژاپن را هم‌زمان به عنوان سفیر آکر دیته به کره جنوبی اعزام کرد، و سفارت خود در سئول را نیز در فروردین ۱۳۵۴ راه‌اندازی نمود. در تمام مدت دوره مذکور، ایران امور مربوط به کره جنوبی را از طریق سفارت خود در توکیو مدیریت می‌کرد به طوری که سفارت ایران در ژاپن عملاً عهده‌دار تمام امور اقتصادی و سیاسی تهران در سئول نیز بود (Buss, ۱۹۸۲: ۸۲).

تا آنجا که به رهیافت کلی اتحاد سازی بین‌المللی تهران و سئول مربوط بود، کره جنوبی توانست در دهه ۱۳۴۰ و به‌ویژه در دهه ۱۳۵۰ قبل از سقوط شاه مناسبات سیاسی و روابط اقتصادی قابل ملاحظه‌ای با ایران را تجربه نماید. دولت ایران نیز علاوه بر به رسمیت شناختن سریع کره جنوبی و اعلام همدردی با این کشور به محض وقوع جنگ ویرانگر کره، در مجامع مهم بین‌المللی از مواضع سئول بویژه در قضیه بحران کره حمایت‌های قاطعی انجام می‌داد. به طور مثال، در هفدهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۳۴۱، از میان تمام کشورهای خاورمیانه تنها ایران، اسرائیل و دو کشور عربی اردن و یمن جنوبی بودند که از موضع کره جنوبی جانبداری کردند. یک سال بعد، در هجدهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنها ایران و اسرائیل از سئول حمایت کردند، و هیچ کشور

1 Syngman Rhee

عربی جانب کره جنوبی را نگرفت. به همین ترتیب، دولت کره جنوبی اغلب ناچار بود تا به منظور جلب رضایت کشورهای عربی خاورمیانه، سیاست اغلب مبهم خود در قبال اسرائیل را مورد بازنگری قرار دهد، در حالی که در روابط تهران و سئول چنین مانع بزرگی نه در طول دهه ۱۳۴۰ و نه پس از اولین شوک نفتی در سال ۱۹۷۳ وجود داشت (۲۵۹-۲۵۶ Wilber, ۱۹۷۶).

ایران حتی حاضر بود تا با انجام نقش میانجی‌گری برای یافتن یک راه‌حل سیاسی برای خاتمه دادن به جنگ ویتنام به کره جنوبی کمک کند تا هرچه سریع‌تر از باتلاق جنگ رهایی یافته و نیروهای نظامی خود را از ویتنام خارج سازد. در راستای پاسخگویی به چنین حسن‌نیت تهران بود که تقریباً تا اواخر سال ۱۳۵۷ کره جنوبی اقدامات دیپلماتیک و غیررسمی قابل ملاحظه‌ای را برای بسط روابط خود با ایران به انجام رساند، به طوری که به استثنای رئیس‌جمهور کره جنوبی تقریباً تمام مقامات ارشد سیاسی این کشور، از جمله نخست‌وزیر، رئیس‌مجلس، بسیاری از وزاری کابینه نظیر وزیر خارجه، و شهرداران شهرهای بزرگ کره جنوبی به ایران سفر کردند. در مقابل، شاه هرگز به کره جنوبی سفر نکرد، ولی وزیر خارجه وی، اردشیر زاهدی، اولین مقام عالی‌رتبه ایرانی بود که در می ۱۹۶۹ از کره جنوبی دیدار کرد و هم‌زمان از دانشگاه چونگ‌آنگ^۱ در سئول دکتری افتخاری در رشته حقوق نیز دریافت کرد. همچنین زاهدی اولین وزیر خارجه یک کشور خاورمیانه‌ای بود که تا آن زمان از کره جنوبی دیدار کرده بود. در جریان این سفر بود که رئیس‌جمهور وقت کره، پارک چونگ‌هی^۲، نشان "کوانگهوا"^۳ به‌عنوان سمبل خدمات شایسته دیپلماتیک را به وزیر خارجه ایران اهدا کرد (Brown, ۱۹۷۳: ۴۶). تقریباً تا پایان حکومت پهلوی در ایران در سال ۱۳۵۷، چنین رفت‌وآمدهای مقامات ارشد دو کشور به امر متداولی تبدیل شد.

سقوط سلسله پهلوی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ و سپس آغاز جنگ ویرانگر هشت ساله ایران و عراق در ابتدا تأثیرات منفی قابل توجهی بر عمق و حجم مناسبات سیاسی و اقتصادی دوجانبه ایران و کره جنوبی برجای نهاد. در نتیجه، روابط سیاسی بین دو کشور از سطح سفیر به سطح کاردار کاهش یافت، و شمار زیادی از اتباع کره‌ای ناچار به ترک ایران شدند. چنین وضعیتی عملاً بزرگ‌ترین پسرفت دیپلماتیک برای

1 Chung-Ang University

2 Park Chung-hee

3 Kwanghwa

کره جنوبی در خاورمیانه از زمان حضور خود در منطقه در اواخر دهه ۱۳۳۰ به حساب می‌آمد. در ادامه وقتی جمهوری اسلامی برای خرید تجهیزات نظامی مورد نیاز خود به کره شمالی روی آورد، روابط دو جانبه تهران و سئول روبه بدتر شدن نهاد چرا که چنین اتفاقی برای کره جنوبی باورکردنی نبود. این رویدادها بعلاوه تلاش دیپلمات‌های کره شمالی در تهران در تبلیغات علیه وجهه کره جنوبی به ایجاد تصویر به‌نسبت ناخوشایندی از سئول در ذهن مقامات جمهوری اسلامی منجر گردید.

باوجود آن وضعیت، پایان جنگ ایران و عراق و همچنین آغاز بازسازی ویرانه‌های جنگ زمینه را برای بهبود روابط دیپلماتیک ایران و کره جنوبی فراهم آورد. حتی قبل از اینکه جنگ ایران و عراق پایان بیابد، یک مقام ارشد وزارت خارجه کره جنوبی به ایران سفر کرده بود تا در زمینه ارتقا روابط دیپلماتیک بین دو کشور رایزنی کند. پس از آنکه جواد منصور، معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در دی ۱۳۶۷ به سئول سفر کرد و با تنی چند از مقامات ارشد کره از جمله نخست‌وزیر این کشور گفتگو نمود، زمینه‌های بهبود مناسبات دو جانبه بیشتر فراهم گردید. همچنین در ملاقات منصور با وزیر خارجه کره جنوبی، هوجونگ چویی^۱، دو کشور در زمینه تبادل سفیر توافق کردند تا بتوانند وضعیت اداره سفارتخانه‌های خود را که از سال ۱۳۵۹ در سطح کاردار اداره می‌شدند ارتقا دهند. مهم‌تر آنکه، با جدی‌تر شدن سیاست خارجی نگاه به شرق ایران از آغاز دهه ۱۹۹۰، زمینه‌های توسعه مناسبات ایران و کره جنوبی در حوزه‌های مختلف بیشتر فراهم گردید. در حقیقت، سیاست نگاه به شرق ایران در طول دهه ۱۹۹۰ ادامه یافت، و حتی تداوم این جهت‌گیری سیاست خارجی در دهه‌های بعد در گسترش تعاملات تهران و سئول بسیار کارساز بود.

به‌ویژه در دو دهه اخیر، روابط ایران و کره جنوبی تحولات قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده است که هم شامل همکاری نزدیک دو کشور در حوضه‌های اقتصادی است و هم دربرگیرنده چالش‌های مهمی در عرصه‌های دیپلماتیک و سیاسی است. قطعاً برخی از مسائل مشکل‌ساز در مناسبات دو کشور در یکی دو دهه اخیر حاصل مؤلفه‌های برون‌ی از جمله نقش مسلط روابط خاص سئول و واشنگتن است. به‌طور خیلی مشخص‌تر، مسئله اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به یکی از دشوارترین چالش‌های سیاست خاورمیانه‌ای کره جنوبی از زمان جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ تبدیل گردید. دولت کره جنوبی اغلب تلاش کرد

¹Ho-joong Choi

تا نوعی توازن محتاطانه بین اتحاد سیاسی-امنیتی کره با امریکا و منافع در حال گسترش خود در ایران برقرار سازد، ولی تبعیت از چنین شگرد دیپلماتیکی در مناسبات سئول-تهران اغلب کار خیلی ساده‌ای نبود (Snyder, 2018: 173).

وقتی که حسن روحانی در سال ۱۳۸۲ به مقام ریاست جمهوری رسید، بحث حل و فصل بحران هسته‌ای کشور به یک اولویت سیاست خارجی ایران تبدیل شد. پس از مذاکرات طولانی ۱۸ ماهه بین ایران و گروه پنج بعلاوه یک (امریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین، و آلمان)، و امضای برجام زمینه برای رهایی از تحریم‌های بین‌المللی علیه تهران فراهم گردید. در چنین وضعیتی و باتوجه به چشم‌انداز خیلی خوشبینانه حاصل از توافق هسته‌ای، کره جنوبی به شدت نسبت به حفظ منافع عظیم خود در ایران حساس گردید.

به همین دلیل، پارک گئون‌هه اولین رئیس جمهور کره جنوبی بود که در سال ۱۳۹۵ به ایران سفر کرد تا یک تحول جدیدی در روابط سیاسی-دیپلماتیک دو کشور باشد که در بیش از شش دهه باوجود تمام چالش‌ها هرگز خاتمه نیافته بود. درعین حال تردیدی نبود که سفر پارک به ایران بدون رضایت و توافق ضمنی رئیس جمهور وقت امریکا، باراک اوباما، امکانپذیر نمی‌شد چرا که بخش قابل ملاحظه‌ای از مناسبات نسبتاً سرد سیاسی ایران و کره جنوبی در دهه‌های گذشته حاصل سیاست خاص واشنگتن درقبال تهران بود (Kazemzadeh, 2020: 22).

۳. پیش به سوی هم‌رزم کمونیستی: ارتباطات سیاسی-نظامی با کره شمالی

نظیر کره جنوبی، کره شمالی نیز در منطقه خلیج فارس ایران را بر سایر کشورها ترجیح داد و درصدد برقراری رابطه با تهران برآمد. اگرچه سیاست اتحاد بین‌المللی و جهت‌گیری کلی سیاست خارجی ایران تلاش‌های پیونگیانگ در برقراری روابط سیاسی با تهران در طول دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ را دشوار ساخته بود، با وجود این تأسیس سفارت کره جنوبی در تهران در سال ۱۳۴۶ کره شمالی را در ایجاد روابط دیپلماتیک با ایران بیش از گذشته مصمم‌تر ساخت. سرانجام در فروردین ۱۳۵۲، ایران و کره شمالی به برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور مبادرت کردند، هر چند که دو کشور در سال‌های قبل از آن نیز حجم نسبتاً کمی از مبادلات اقتصادی دوجانبه را تجربه کرده بودند. در پاسخ به مخالفت‌ها و

IPark Geun-hye

انتقادات دولت کره جنوبی و شمار دیگری از کشورها، دولت وقت ایران اساساً تصمیم مربوط به برسمیت شناختن رژیم کمونیستی جمهوری خلق کره را به گفتگوهای درحال جریان آن زمان بین دوکره مرتبط ساخت. وزیر خارجه ایران، عباسعلی خلعبتیری، به طور مشخص چنین قیاسی را یادآور ساخت و تأکید کرد "از آنجا که نوعی رابطه بین دوکره در جریان است، هیچ دلیلی وجود ندارد که ایران با کره شمالی رابطه‌ای نداشته باشد" (۲۰۰۳ ROK's Ministry of Foreign Affairs).

دلیل احتمالی دیگر تهران در شناسایی پیونگیانگ آن بود که ایران در آن زمان دارای روابط دیپلماتیک نسبتاً فعالی با دیگر کشورهای کمونیستی نظیر خیلی از ملل اروپای شرقی، شوروی، و چین بود. در حقیقت، ایران در سال ۱۳۵۰ بود که چین کمونیست را برسمیت شناخته بود. تمام این کشورهای کمونیستی از جمله دوستان نزدیک، متحدین سیاسی، و شرکای تجاری کره شمالی بحساب می‌آمدند. علاوه بر این، احتمالاً جنبش عدم تعهد و کوشش‌های این جنبش در توجه به بحران شبه جزیره کره در اقدام دیپلماتیک تهران نسبت به پیونگیانگ بی‌تأثیر نبود. درحقیقت، ایران از همان اول یکی از اعضای فعال جنبش عدم تعهد بود، و احتمالاً برخی از ابتکار عمل‌های غیررسمی درون جنبش عدم تعهد و افزایش نفوذ کره شمالی در جنبش بویژه در اوایل دهه ۱۹۷۰ در متقاعد ساختن ایران برای برسمیت شناختن کشور کمونیستی کره و تاسیس سفارت آن در تهران تأثیرگذار بودند (۲۸-۲۷: ۱۹۹۸ Reese).

کره شمالی بسرعت سفارت خود در تهران را در تیرماه ۱۳۵۲ دایر ساخت، و فوراً از نخست‌وزیر وقت ایران، امیر عباس هویدا، دعوت کرد تا از پیونگیانگ دیدار کند. این دعوت که شگفتی بسیاری را برانگیخت، از سوی هویدا به بهانه مشغله فراوان در اداره امور کشور محترمانه رد شد. درعین حال، رهیافت ایران نسبت به کره شمالی محتاطانه بود، و تهران ترجیح داد تا امور مربوط به رابطه با این کشور را از طریق سفارت خود در پکن مدیریت نماید. در سال‌های پیش‌رو تا قبل از سقوط شاه در سال ۱۳۵۷، دو کشور چندین موافقتنامه دوجانبه در زمینه تجارت (۱۹۷۳)، فرهنگ (۱۹۷۴)، و خبرگزاری بین‌دولتی (۱۹۷۸) امضا کردند، و شماری از مقامات دون پایه کره شمالی که بسیاری از آنها مسئول امور اقتصادی بودند نیز از تهران دیدن کردند.

در این دوره حدود شش ساله، رسانه‌های کره شمالی به‌طور کلی پیشرفت‌های اقتصادی در جریان و تحولات اجتماعی مثبت جامعه ایران را پوشش می‌دادند، و از انتقاد ورزیدن به نظام سیاسی یا جهت‌گیری کلی سیاست خارجی تهران خودداری می‌کردند (۶۴: ۱۹۹۷ EIU).

بنابراین در بازه سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷، روابط ایران با کره شمالی هم در حوزه سیاسی و هم در بعد اقتصادی محدود بود، و زمینه‌های پیوند نزدیک بین تهران و پیونگیانگ فقط با سقوط شاه و روی کار آمدن جمهوری اسلامی فراهم گردید. با وجود شعار "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی، کره شمالی و رسانه‌های این کشور بسرعت بر نزدیکی جهت‌گیری کلی سیاسی-ایدئولوژیکی دو کشور در نظام بین‌الملل تمرکز کردند. در ادامه وقتی ایران برای تامین نیازهای نظامی خود پس از وقوع جنگ ایران و عراق به کره شمالی نزدیک شد، پیونگیانگ از این اتفاق به‌عنوان فرصت بی‌نظیری برای گسترش هرچه بیشتر روابط خود با تهران بهره گرفت.

در نتیجه گسترش روابط دوجانبه و افزایش خریدهای نظامی ایران از کره شمالی، در طول دهه ۱۹۸۰ شمار زیادی از سیاستمداران ارشد جمهوری اسلامی از پیونگیانگ بازدید کردند. در سپتامبر ۱۹۸۱، اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و سید موسی نامجو وزیر دفاع به کره شمالی رفتند و با کیم ایل‌سونگ رهبر این کشور دیدار کردند. در اکتبر ۱۹۸۳ نیز میر حسین موسوی نخست‌وزیر و محمد سلیمی وزیر دفاع در یک سفر سه روزه به کره شمالی رفتند. در سال ۱۹۸۵، هاشمی رفسنجانی که هنوز رئیس مجلس بود بار دیگر به کره شمالی سفر کرد، و در ادامه در سال ۱۹۸۹ رئیس جمهور وقت، علی خامنه‌ای، ضمن دیدار از پیونگیانگ با کیم ایل‌سونگ گفتگو نمود. به‌طور حتم، بحث خرید تجهیزات نظامی از کره شمالی و تداوم همکاری‌های دفاعی با این کشور یکی از اهداف اصلی سفر مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی از پیونگیانگ را تشکیل می‌داد (۳۱: ۲۰۱۱، IBP USA).

پایان جنگ ایران و عراق به هیچ وجه موجب خاتمه دادن به همکاری‌های ایران و کره شمالی نشد، چرا که هر دو کشور مصمم شدند تا روابط خاص خود در دوران جنگ را در دهه‌های پس از آن ادامه دهند. اهمیت روابط حساس دو کشور تا حدی بود که در طول دوران جنگ، ایران سفارت خود در پیونگیانگ را از طریق یک سفیر اداره می‌کرد، ولی در

1 Kim Il-sung

سفارت ایران در سئول تا اواخر سال ۱۳۳۷ یک کاردار عهده‌دار امور بود. بنابراین در دوران پس از جنگ ایران و عراق، همکاری‌های نظامی و ارتباطات دفاعی بخش مهمی از مناسبات ایران و کره شمالی را تشکیل می‌داد. از آنجا که این بعد از همکاری‌های ایران و کره شمالی اغلب دربرگیرنده مشارکت طرف سوم بود، برخی از قدرت‌های بزرگ و کشورهای دیگری که دارای منافع قابل ملاحظه‌ای در خاورمیانه بودند را نسبت به کم و کیف مناسبات تهران-پیونگیانگ حساس می‌نمود (Metzler, ۲۰۰۱: ۹۴).

به همین دلیل بوده است که رسانه‌های بین‌المللی اغلب به روابط ایران و کره جنوبی توجهی نداشته، ولی به‌ویژه در دو دهه گذشته بر مناسبات ایران و کره شمالی تمرکز خاصی داشته‌اند. در این راستا، روابط ایران با کره شمالی در تمام ابعاد آن مورد موشکافی رسانه‌ها قرار گرفته، و تمام بخش‌های مربوط به مناسبات سیاسی، اقتصادی، و حتی فرهنگی مورد مبادله دو کشور معمولاً به‌عنوان یک موضوع بین‌المللی تلقی شده است.

البته هسته اصلی دغدغه و توجه رسانه‌ها به همکاری‌های احتمالی ایران و کره شمالی در حوزه‌های هسته‌ای و موشکی معطوف بود. در مقابل، بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی ضمن تأیید دوستانه و چندبعدی بودن روابط ایران و کره شمالی، اغلب وجود هرگونه همکاری هسته‌ای و موشکی بین دو کشور را شدیداً تکذیب می‌کردند. چنین مقاماتی ضمن رد ادعاهای مربوط به همکاری‌های پنهان پیونگیانگ-تهران، خودکفایی ایران در زمینه تولیدات موشکی و فناوری هسته‌ای را مورد تأکید مجدد قرار می‌دادند (۲۰۰۱: ۸۷). (Dennis).

به‌ویژه در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، برخی رسانه‌های بین‌المللی بیش از گذشته درباره ماهیت و حجم روابط ایران و کره شمالی اغراق کردند، و آنها حتی خیلی مواقع با بازی با داده‌های آماری بر استدلال‌های خود پافشاری می‌کردند. البته احمدی‌نژاد و وزرای کلیدی وی هرگز به کره شمالی سفر نکرده، و همچنین آنها هیچ تمایلی نداشتند تا به‌طور علنی درباره روابط ایران و کره شمالی اظهارنظر کنند. هنگامی هم که آنها در این زمینه مورد مصاحبه قرار می‌گرفتند، معمولاً تکذیب هر نوع پنهان‌کاری در مناسبات ایران با کره شمالی و تأکید مجدد بر توانایی بومی در حوزه‌های موشکی و هسته‌ای سبک مرسوم احمدی‌نژاد و وزرای برجسته وی بود.

در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی، ایران نسبت به برجسته‌سازی و رسانه‌ای کردن تعاملات خود با کره شمالی حتی نسبت به گذشته تمایل کمتری نشان داده است. و در مقایسه با شمار قابل توجهی از سفرهای دیپلماتیک مقامات ارشد و هیات‌های غیر سیاسی کره شمالی به تهران در دوران مسئولیت روحانی، مسئولین بلندپایه خیلی اندکی از ایران تمایل داشته‌اند تا حداقل بطور علنی به پیونگیانگ سفر کنند. حتی در زمانی که ایران درگیر مذاکرات فشرده هسته‌ای با گروه پنج بعلاوه یک بود، وزارت خارجه سفر از قبل برنامه‌ریزی شده یک هیأت بلندپایه کره شمالی به ایران را لغو کرد تا مبادا چنین سفری بر فرایند مذاکرات هسته‌ای تأثیر منفی داشته باشد.

همچنان که در جریان گفتگوهای روحانی و پارک در تهران مطرح شد، ایران حتی به‌طور مشخص از غیرهسته‌ای سازی شبه جزیره کره حمایت کرد. چنین موضعگیری که از سوی رسانه‌های کره جنوبی به خوبی پوشش داده شد، توسط برخی ناظرین خارجی به عنوان دوری بیشتر ایران از کره شمالی پس از امضای برجام تفسیر گردید، هرچند که کره شمالی ترجیح داد تا نسبت به موضع روحانی واکنشی نشان ندهد. با این وجود و علی‌رغم سیاست دولت روحانی در قبال کره شمالی، بعید بنظر می‌رسد که ایران قصد داشته باشد تا بزودی از کره شمالی بطور قابل ملاحظه‌ای فاصله بگیرد. حتی روابط نزدیک سیاسی ایران و کره جنوبی نیز نخواهد توانست به چنین وضعیتی منجر شود، زیرا چنین تحویلی مستلزم یک دگرگونی گسترده در سیاست خارجی و نگرش کلی بین‌المللی جمهوری اسلامی خواهد بود.

۴. رسیدن به اوج همکاری: تعاملات اقتصادی-تجاری با کره جنوبی

از زمانی که کره جنوبی برنامه بلندپروازانه صنعتی شدن و توسعه اقتصادی را در اوایل دهه ۱۹۶۰ آغاز کرد، توجه این کشور به ایران و به‌طور کلی خاورمیانه روبه افزایش نهاد. پس از آنکه کره جنوبی روابط دیپلماتیک خود با ایران را در آوریل ۱۹۶۲ برقرار ساخت، این کشور اولین شعبه خاورمیانه‌ای آژانس ترویج تجاری-سرمایه‌گذاری کره (کترا)^۱ را در آگوست ۱۹۶۴ در تهران بازگشایی کرد.

¹ Korea Trade-Investment Promotion Agency (KOTRA)

گرچه در سال ۱۹۶۴، کویت هنوز ۱۰۰ درصد نفت خام مورد نیاز کره جنوبی را تأمین می کرد، کره‌ای‌ها بزودی به خرید نفت ایران نیز روی آوردند. به همین دلیل بود که در طول دهه ۱۹۶۰، ایران و کویت تأمین کنندگان اصلی نفت خام این کشور شرق آسیایی بودند. در حقیقت، در سال ۱۹۶۸ ایران و کویت به همراه عربستان سعودی تولیدکنندگان عمده نفت در منطقه خلیج فارس بودند، و نیاز بیشتر اقتصاد کره جنوبی به نفت وارداتی این کشور را بیش از گذشته به منابع انرژی خلیج فارس وابسته تر ساخت (Metraux, ۱۹۹۲).

در سال ۱۹۶۷، کره جنوبی بیش از ۱۹ میلیون دلار نفت از منطقه خلیج فارس وارد کرد، و این میزان در سال ۱۹۷۳ به حدود ۲۵۰ میلیون دلار افزایش یافت. در همان سال ۱۹۶۷، ارزش کل واردات نفت خام کره جنوبی از خلیج فارس بیش از بیست برابر کل ارزش صادرات این کشور به منطقه بود. تا سال ۱۹۷۳، هنوز ارزش کل واردات کره جنوبی از خلیج فارس هفت برابر بیشتر از ارزش کل صادرات آن به کشورهای منطقه بود. در آستانه اولین شوک نفتی در سال ۱۹۷۳، ارزش کل صادرات کره جنوبی به ایران ۱۶ میلیون دلار، به عربستان سعودی ۱۳ میلیون دلار، و به کویت بیش از ۷ میلیون دلار بود، و این سه کشور مهم ترین بازارهای صادراتی کره در منطقه بودند. همچنین این سه کشور منطقه خلیج فارس سه مقصد اصلی برای صادرات کره جنوبی در کل خاورمیانه بودند، و حجم عظیمی از کالاهای تولیدی ارسال شده کره به خاورمیانه را جذب می کردند (Dent, ۲۰۰۲: ۱۴۸).

در پی شوک نفتی اول، افزایش درآمدهای صادراتی ایران و برنامه‌های جدید توسعه اقتصادی تهران، کره جنوبی به گسترش روابط خود با تهران راغب تر شد. یک تحول مهم در این زمینه رخنه صنعت ساخت و ساز کره به ایران بود که در نتیجه آن شرکت هیوندای یک قراردادی را برای ساخت یک اسکله برای نیروی دریایی ایرن در نزدیک بندرعباس در جنوب ایران امضا کرد. در واقع، افزایش درآمدهای صادراتی کشورهای نفتی منطقه خلیج فارس از جمله ایران را به بهشتی برای صنعت ساخت و ساز دنیا تبدیل نمود که زمینه را برای کسب سودهای فراوان برای پیمانکاران باتجربه خارجی فراهم ساخت (Disney, ۱۹۷۷). از اینرو تا آوریل ۱۹۷۹، حدود پنج درصد از کل ساخت و سازهای پیمانکاران کره‌ای در ایران قرار داشت، و به همین دلیل بود که در سال ۱۹۷۸ حدود ۷۴۱۸ کره‌ای در ایران کار می کردند (Field, ۱۹۹۵: ۱۵۶).

مهم‌تر از صنعت ساخت‌وساز، ایران به بزرگ‌ترین بازار صادرات کره جنوبی تبدیل شد به طوری که تا سال ۱۹۷۵ بیش از ۳۰ درصد کل صادرات کره به خاورمیانه وارد ایران می‌شد. به این دلیل بود در نوامبر ۱۹۷۶ ایران و کره جنوبی یک قرارداد مهم تجاری را امضا کردند که براساس آن حجم تجارت بین دو کشور افزایش می‌یافت و شرکت‌های کره‌ای در حوزه‌های مختلف اقتصادی فعالیت خود را در ایران گسترش می‌دادند. همچنین ایران توانست که در طول دهه ۱۹۷۰ جایگاه خود را به‌عنوان سومین صادرکننده نفت خام به کره جنوبی حفظ کند. در سال ۱۹۷۵، حجم کلی تجارت دوسویه بین دو کشور به حدود ۱۵۸ میلیون رسید که تقریباً دوبرابر رقم ۷۹ میلیون دلاری در سال ۱۹۷۴ بود. این رقم به ۳۴۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۶ و به ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ افزایش یافت. در سال ۱۹۷۴، کره جنوبی دارای تراز تجاری مثبت در برابر ایران بود، ولی در سه سال بعدی تراز تجاری بفع ایران بود که عمدتاً حاصل افزایش واردات نفت خام کره از ایران بود (۱۲۷: The World Bank, ۱۹۹۳).

در سال‌های پایانی دهه ۱۳۵۰، پس از تغییر نظام سیاسی در ایران و دگرگون شدن جهت‌گیری سیاست خارجی تهران، کره جنوبی عملاً رهیافت جدایی سیاست از اقتصاد را مبنای روابط دوجانبه خود با ایران قرار داد تا هم بتواند به تعهدات اتحاد خود در برابر امریکا پایبند بماند و هم از منافع مدنظر خود در ایران بی‌بهره نشود.

ولی به هرصورت، تحولات سیاسی ایران به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر روابط اقتصادی دو کشور صدمه وارد آورد به طوری که شماری از قراردادهای و توافقات مهم اقتصادی و تجاری بین دو کشور لغو شدند، و برخی از همکاری‌های در حال جریان بین تهران و سئول نیز به حال تعویق درآمدند. به‌طور مثال، یک پروژه پالایش مشترک ۵۰-۵۰ بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سانگ یانگ کره جنوبی از جمله طرح‌هایی بود که به ضرر ایران و بفع کره جنوبی توقیف و کنار نهاده شد (۲۱۵: ۱۹۸۷، Hapdong News Agency).

با وجود کاهش سطح روابط دیپلماتیک بین ایران و کره جنوبی از سفیر به کاردار و توقف برخی فعالیت‌های اقتصادی بین دو کشور در بهبوحه جنگ ایران و عراق، کره جنوبی مصمم بود تا ارتباطات خود با تهران را بخصوص با خرید نفت خام ایران حفظ کند. تاکتیک سئول در این زمینه کاهش واردات نفت خام از عربستان سعودی و جبران آن با افزایش

واردات از ایران بود. این استراتژی می‌توانست منافع کره جنوبی در ایران را به دو شیوه متفاوت حفظ کند (Davidson, 2010: 52). اول آنکه، سؤال این فرصت را پیدا می‌کرد تا حضور خود را در ایران به عنوان یک واردکننده وفادار نفت‌خام را تضمین نماید زیرا این کشور مهم خلیج فارس به طور بالقوه مهم‌ترین بازار صادراتی کره در خاورمیانه محسوب می‌شد (ROK's Ministry of Foreign Affairs, 1996). دوم آنکه، تجارت انرژی ضمن تسهیل دستیابی کره جنوبی به ایران، به سؤال امکان می‌داد تا مراقب برخی پیامدهای ناشی از گسترش حضور و نفوذ کره شمالی در ایران باشد (Financial Times, ۱۹۸۳: ۴۸۱).

۵۵



سیاست جهانی

با پایان جنگ ایران و عراق، تهران و سؤال توافق کردند تا نشست‌های سالانه کمیسیون‌های اقتصادی مشترک ایران-کره که از سال ۱۳۵۸ به بعد تعلیق شده بودند را مجدداً برقرار نمایند. تا اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰، تجارت سالانه دوجانبه ایران و کره جنوبی به حدود ۲ میلیارد دلار رسید که ۷۰۰ میلیون دلار آن حاصل تجارت مستقیم بود. بعلاوه، کره جنوبی در شماری از پروژه‌های انرژی و صنعتی ایران سرمایه‌گذاری کرد، و توانست از بخش در حال رونق ساخت‌وساز پس از جنگ بهره‌برد. شماری از پروژه‌هایی که شرکت‌های کره‌ای در آنها سرمایه‌گذاری کردند شامل راه‌آهن بافق-بندرعباس، برنامه مترو تهران، طرح پالایشگاه گاز کنگان، و چندین پروژه نفتی و گازی در حاشیه جزایر خلیج فارس بودند. در سال ۱۳۷۲ نیز گروه کره‌ای دوو و شرکت صنایع خودرو کرمان در سؤال قراردادی را در زمینه راه‌اندازی یک خط مونتاژ مشترک در استان کرمان برای تولید مشترک خودرو بین دو کشور امضا کردند.

در نتیجه، کره جنوبی موفق شد تا در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۵ به چهارمین شریک بزرگ صادراتی ایران تبدیل شود، و حتی در سال ۱۳۷۹ پس از ژاپن جایگاه دومین شریک بزرگ صادراتی ایران را از آن خود کرد. در سال ۱۳۷۸، این کشور شرق آسیایی سومین شریک بزرگ وارداتی ایران بود، و یک سال بعد به دومین شریک بزرگ وارداتی ایران پس از آلمان تبدیل شد. مشارکت پیمانکاران کره‌ای در پروژه‌های ایران نیز رشد پیدا کرد که بخشی از آن حاصل امضای یک یادداشت تفاهم بین دو کشور در سال ۱۳۸۰ بود تا بتوانند همکاری‌های دوجانبه در حوزه ساخت‌وساز را افزایش دهند. در آن زمان حدود ۱۹ شرکت کره‌ای در حدود ۶۰ پروژه به ارزش بیش از ۴ میلیارد دلار در ایران فعالیت داشتند. اگرچه درآمد شرکت‌های کره‌ای از بخش ساخت‌وساز در ایران به اندازه عربستان سعودی نبود، ولی

فعالیت آنها در ایران به تداوم حضور کره جنوبی در ایران بخاطر بازار مصرفی بزرگ آن کمک فراوان می‌کرد (Hanieh, ۲۰۱۱: ۱۷۲-۱۷۷).

از این رو، دهه اول قرن بیست و یکم شاهد رونق بیش از پیش روابط اقتصادی ایران و کره جنوبی علی‌رغم فقدان تعاملات بالای سیاسی بین دو کشور بود. شرکت‌های کره‌ای تشویق شدند تا بویژه در پروژه‌های نفت و گاز ایران بیشتر سرمایه‌گذاری کنند، و دولت ایران نیز راغب شد تا به شرکت‌های کره‌ای در بسیاری از بخش‌های اقتصادی نفع قابل توجهی برساند. به شرکت ال‌جی قراردادی به ارزش نزدیک به ۲ میلیارد دلار داده شد تا فازهای ۹ و ۱۰ پروژه گازی پارس جنوبی را توسعه دهد، و از شرکت دوو موتورز نیز دعوت شد تا سرمایه‌گذاری در شرکت کرمان خودرو را افزایش دهد. در سال ۱۳۸۷ هم ایران و کره جنوبی یک کمیته سرمایه‌گذاری مشترک ایجاد کردند تا بر پروژه‌های توسعه دارای اولویت در ایران تمرکز بیشتری نمایند. در نتیجه این اقدام، در سال ۱۳۸۸ به شرکت کره‌ای دلیم^۱ قرارداد پرسودی به ارزش حدود ۲ میلیارد دلار واگذار شد تا در توسعه قسمت دوم فاز ۱۲ پروژه گازی پارس جنوبی مشارکت کند. همزمان، ایران بعنوان یکی از صادرکنندگان برجسته نفت خام به کره جنوبی باقی ماند، و در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۰ درصد از کل واردات نفت این کشور را تامین می‌کرد.

در زمان ریاست جمهوری لی میونگ‌بک آدر کره جنوبی، تحولات اقتصادی بسیاری بین دو کشور رخ داد. ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری و بازار صادراتی کره جنوبی در خاورمیانه باقی ماند، و حجم واردات دو سویه بین دو کشور به بالاترین ارزش خود به بیش از ۲۰ میلیارد دلار رسید که شامل مبادلات رسمی و غیررسمی بین طرفین بود. شماری از شرکت‌های کره‌ای منابع خود را به ایران سرازیر کردند، و به حضور چشمگیر برندها و کالاهای کره‌ای به‌ویژه در حوزه‌های خودرو و لوازم الکترونیکی در بازارهای ایران که زمانی در سیطره کالاهای ژاپنی بودند کمک کردند. بدون شک، افزایش چشمگیر قیمت نفت در سال ۱۹۸۷ و بالا رفتن درآمدهای صادراتی ایران، تداوم جدی‌تر سیاست نگاه به شرق دولت ایران، و تبلیغ محصولات کره‌ای از طریق رسانه‌های ایران همگی در بالا رفتن حجم فروش کالاهای کره‌ای در ایران مؤثر بودند (Taylor, ۱۹۸۹: ۱۳۷).

1 Daelim

2 Lee Myung-bak

پس از جایگزینی لی میونگ‌بک با هم‌حزبی محافظه‌کار وی، پارک گئون‌هه، روابط اقتصادی نسبتاً نزدیک ایران و کره جنوبی تداوم پیدا کرد. دیدار پارک از ایران در اردیبهشت ۱۳۹۵ بطور مشخص بر حفظ پیوندهای تجاری کره جنوبی با ایران تمرکز داشت. سفر وی که با همراهی "بزرگترین هیات تجاری در تاریخ سفرهای ریاست جمهوری کره" قرین شد، بدنبال تامین منافع تمام ۲۳۶ بخش همراه وی، شامل نمایندگان ۱۴۶ شرکت کوچک و متوسط، ۳۸ شرکت بزرگ، ۵۲ سازمان کسب‌وکارهای مختلف، نهادهای دولتی، و بیمارستان‌ها بود. پارک در جریان سفر خود، ایران را "سرزمین فرصت" لقب داد و از هموطنان خود خواست تا با بهره‌گیری از فرصت‌های ایران، داستان "رونق دوم خاورمیانه" برای کشور خود را رقم بزنند.

در طول سفر پارک به ایران، دو کشور موافقت‌نامه‌های زیادی از جمله ۶۶ یادداشت تفاهم در زمینه تعاملات اقتصادی دوجانبه را امضا کردند. در آن زمان تخمین زده شد که ارزش این توافق‌نامه‌ها بیش از ۳۷ میلیارد دلار باشد، و به شرکت‌های کره‌ای امکان دهد تا در پروژه‌های جدید بسیاری در ایران از ساخت‌وساز گرفته تا بخش انرژی فعالیت کنند. دو کشور بر تداوم همکاری‌های اقتصادی و تجاری تاکید کردند، و حتی حسن روحانی از همتای کره‌ای خود خواست تا "تجارت را به روابط اقتصادی عمیق و راهبردی تبدیل نمایند." وقتی پارک به کشورش بازگشت، وی با وعده یک بسته مالی سخاوتمندانه ۲۵ میلیارد دلاری به "بزرگترین دستاورد اقتصادی" دولت خود لعاب جدیدی بخشید تا شاید شرکت‌های بیشتری از کره را به مشارکت در پروژه‌های مشترک در ایران تشویق کند. ولی پارک مدت زیادی در قدرت باقی نماند، و خروج امریکا از برجام به همراه بی‌میلی ریئس جمهور بعدی کره جنوبی در همکاری نزدیک اقتصادی با ایران طرح‌های فوق را عمدتاً ناکام گذاشت.

۵. تصدیق نشده: مراودات اقتصادی با کره شمالی

تا قبل از دهه ۱۳۶۰، ارتباطات کلی ایران با کره شمالی، چه در بعد اقتصادی و چه در ابعاد سیاسی-دیپلماتیک، اندک بود. با این وجود، دو کشور توافقات و پروتکل‌های دوجانبه خود در دهه ۱۳۵۰ را به حوزه‌های دیگری نظیر شیلات (۱۳۶۰)، اقتصاد، علوم، و تجارت (۱۳۶۱)، ورزش (۱۳۶۱)، و معدن و حمایت فنی (۱۳۶۷) گسترش دادند. از همه مهم‌تر آنکه رویدادهای خاصی بخصوص آغاز جنگ ایران و عراق زمینه را برای بهبود روابط تهران و

پیونگیانگ فراهم ساخت. کره شمالی بسرعت درخواست ایران برای تسلیحات را پذیرفت و از این فرصت ارزشمند برای گسترش مناسبات مختلف خود با تهران بخوبی بهره گرفت. اولین محموله تجهیزات نظامی کره شمالی در شهریور ۱۳۵۹ به ایران ارسال شد، و تا پایان سال ۱۳۶۱ این کشور کمونیستی بتدریج به بزرگترین صادرکننده اسلحه به ایران تبدیل شد. منابع مختلف برآورد ساخته‌اند که تنها در سال ۱۳۶۱، خرید تجهیزات نظامی ایران از کره شمالی رقمی بین ۵۰۰ میلیون تا ۲ میلیارد دلار بود که به‌طور تعجب‌انگیزی حدود ۴۰ درصد از کل خریدهای نظامی ایران در آن سال را تشکیل می‌داد. همچنین در سال‌های آغازین جنگ، چین و شوروی نیز برای ردگم کردن از طریق کره شمالی به ایران اسلحه فروختند (Yager, ۱۹۸۴: ۷۳).

در دوره پس از پایان جنگ ایران و عراق نیز همکاری نظامی و ارتباطات دفاعی به عنوان ستون اصلی تعاملات تجاری تهران و پیونگیانگ باقی ماندند. دو کشور در سال ۱۳۶۶ یک توافق نیم‌میلیارد دلاری را در زمینه توسعه فناوری موشکی امضا کرده بودند که قرار بود پس از اتمام جنگ به نتیجه لازم برسد. با هدف هماهنگ سازی بهتر تعاملات دوجانبه در حوزه‌های مختلف نظامی و سیاسی، تهران و پیونگیانگ بی‌سروصدا یک کمیسیون دفاعی مشترک را در آذرماه ۱۳۶۸ ایجاد کردند. به‌عنوان بخشی از این فرایند دوجانبه، شمار قابل توجهی از موشک‌های ساخت پیونگیانگ، بویژه موشک‌های بالستیک ببرد کوتاه، به ایران ارسال شدند. در این زمان که فروش اسلحه بخش قابل ملاحظه‌ای از صادرات کره شمالی به ایران را تشکیل می‌داد، این کشور کمونیستی برای متقاعد ساختن طرف ایرانی به توانمندی موشکی خود چندین مرتبه از مقامات مربوطه ایرانی دعوت کرد تا از نزدیک ناظر آزمایشات موشکی و نظامی پیونگیانگ باشند. بطور مثال، چنین نمایش دوستی از سوی کره شمالی موجب حضور شماری از ناظرین نظامی و غیرنظامی ایرانی در هنگام پرتاب موشک بالستیک قاره‌پیما تپدونگ آدر سال ۱۳۷۷ و در زمان آزمایشات هسته‌ای بعدی شد (۱۷۱-۱۷۰: Garver, ۲۰۰۶).

باوجود این، حوزه‌های غیرنظامی همکاری بین ایران و کره شمالی نیز در دوران پس از جنگ توجه قابل ملاحظه‌ای به خود جلب کردند. از جمله آنکه کره شمالی از ایران

1 Intercontinental Ballistic Missile (ICBM)
2 Taepodong

درخواست کرد تا در زمینه تلاش‌های مربوط به کاوش نفت در بستر قاره غربی این کشور به پیونگیانگ کمک کند. همچنین در سال ۱۳۷۲، پنجمین کمیسیون اقتصادی مشترک پیونگیانگ-تهران که به میزبانی کره شمالی برگزار شد، نشان دیگری از توجه متقابل دو کشور به گسترش همکاری فرانظامی بود. در این زمان، کره شمالی بویژه نیاز داشت تا در زمینه تامین انرژی به ایران نزدیک شود چون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این کشور را از یک منبع ارزشمند تامین نیازهای انرژی خود بطور ناخوشایندی محروم ساخته بود. به همین دلیل، در دران پس از سقوط بلوک شرق و ناپدید شدن بسیاری از متحدین کمونیستی، ایران می‌توانست بعضی مواقع تا حدود ۴۰ درصد از نیازهای ضروری نفت‌خام کره شمالی را در قبال دریافت کمک‌های فنی و سایر خدمات غیراقتصادی دیگر تامین کند (۲۰۰۹: ۵۲). (Robinson,

شکی نبود که روابط تهران و پیونگیانگ یک دهه پس از دیگری در حال رونق گرفتن بود، ولی از دیدارهای اغلب پنهان مقامات دو کشور یا قراردادهای نسبتاً مخفی امضا شده بین طرفین اطلاعات خیلی زیادی درز نمی‌کرد. و برخلاف حضور چشمگیر و اغلب بی‌حساب و کتاب کالاها و برندهای کره جنوبی در بازارهای ایران، یافتن هر نوع کالا یا برند ساخت کره شمالی برای خریداران ایرانی تقریباً غیرممکن بوده است. حتی زمانی که رسانه‌ها از صادرات نفت‌خام ایران به کره شمالی خبر می‌داند، باز مشخص نبود که کم‌وکیف دادوستد این کالا بین دو کشور به چه صورتی بوده، و اینکه آیا کره شمالی قصد داشت تا نفت ایران را صرف نیازهای غیرتجاری داخلی کند یا از آن برای پروژه‌های مخفی توسعه خود بهره بگیرد (Panda, 2020: 155).

به‌طور مثال، در بسیاری از آمار و ارقام‌های مختلفی که اغلب نهادهای دولتی در ایران منتشر می‌کنند، نام کره شمالی به چشم نمی‌خورد. یا وقتی که یک سازمان دولتی گزارش سالیانه تجارت خارجی کشور را منتشر می‌کند، اغلب به‌طور مستقیم اشاره‌ای به کره شمالی صورت نمی‌گیرد انگار که هیچگونه فعالیت تجاری و اقتصادی خاصی بین دو کشور وجود نداشته است. یک دلیل احتمالی چنین روشی می‌توان آن باشد که برای مدت‌ها روابط دو کشور مربوط به حوزه‌های حساسی بود که ابعاد آن نیازمند دقت و حساسیت خاصی بود. برخی از آن مسائل دربرگیرنده موضوعات امنیت ملی بود که خود مستلزم حفظ آمار و ارقام‌های مورد مراد بین دو کشور بود. چون کشورهای خارجی بسیاری به کم‌وکیف خیلی

از مناسبات رسمی و غیررسمی ایران و کره شمالی حساس بودند، عدم انتشار داده‌های مربوطه تا حدودی می‌توانست جلوی سواستفاده احتمالی و تبلیغات رسانه‌ای منفی علیه دو کشور را بگیرد. در سایر موارد دیگر نظیر حوزه‌های صرف اقتصادی و غیرحساس، احتمالاً روش فوق با هدف گمراه ساختن رقبا و مردد نمودن آنها صورت می‌گرفت (Cronin, 2008).

سرانجام آنکه ایران ناچار نبود تا همواره برای تأمین برخی نیازهای خود از کره شمالی پول نقد بپردازد. دو کشور اغلب می‌توانستند به معامله تهاتری دست زده و برخی از کالاهای خود را بدون نیاز به استفاده از هرگونه ارزی صرفاً به این طریق با یکدیگر مبادله نمایند. بطور مسلم نیازهای انرژی کره شمالی از جمله مواردی بود که ایران قادر بود تا بصورت تهاتری با این کشور ردوبدل نماید. حتی این سبک از تجارت بین ایران و کره شمالی برخی مواقع مستلزم یک طرف سومی بود، زیرا این کشور کمونیستی عمدتاً از تجهیزات و امکانات لازم برای انتقال انرژی از ایران به سرزمین خود به اندازه کافی برخوردار نبود، و می‌توانست با کمک کشورهای نظیر چین به حمل نفت خام خریداری شده از ایران در مسیر طولانی دریایی انتقال محموله‌های خود مبادرت کند (Kim, 2017: 121).

۶. نقش بی‌سابقه فرهنگ در کنش‌های تهران-سئول

در روزگاران گذشته ایرانی‌ها و کره‌ای‌ها کم‌وبیش ارتباطات پراکنده‌ای باهم داشته‌اند. چنین تعاملات غیرمستقیم و برخی مواقع مستقیم بین آنها عمدتاً از طریق جاده مشهور ابریشم صورت گرفته، و چین نیز در این بین یک نقش میانجی را بازی می‌کرد. در فرایند چنین تعاملاتی بود که ایرانی‌ها توانستند در حوزه‌های مختلف، از هنر و معماری گرفته تا مسائل مذهبی و اعتقادی، بر کره‌ای‌ها تأثیراتی برجای نهند. برای مثال، مطالعات مهمی وجود دارند که نشان می‌دهند نظام بوروکراسی شاهنشاهی ساسانی توانست بر بوروکراسی کره‌ای در دوره‌های کریو و چوسان اثرگذار باشد (Duncan, ۲۰۱۴: ۲۷۹-۲۸۰). بویژه ساسله تانگ چین در چنین اثرگذاری نقش مهمی داشت، زیرا در عصر حکمرانی ساسله تانگ در چین بود که میراث‌های تمدنی ایران به‌طور قابل ملاحظه‌ای به شرق منتقل شدند.

وجود برخی تعاملات قدیمی بین ایرانی‌ها و کره‌ای‌ها یا حتی صرفاً توجه ایرانی‌ها به آن سرزمین را می‌توان در شماری از آثار فارسی‌زبان نیز مشاهده کرد. به‌طور نمونه، کتاب

المسالک و الممالیک (کتاب راه‌ها و پادشاهی‌ها) اثر تاریخدان و جغرافی‌دان ایرانی، ابوالقاسم ابن خردادبه، اولین اثر غیرآسیایی در تاریخ است که در آن به نام کره اشاره می‌شود. به هر صورت، می‌توان اینگونه استنباط کرد که کتاب ابن خردادبه اولین اثری بود که حدوداً در سال ۸۴۶ پس از میلاد به نوعی شبه جزیره کره را به دنیا معرفی کرد. اثر مهم فارسی دیگر، کتاب کوشنامه است که به شیلا قدیم اشاره‌های مهمی می‌کند. این اثر در بین کره‌ای‌های زیادی از جمله رئیس جمهور قبلی کره جنوبی، پارک گئون‌هه، مشهور بوده است، چرا که در این کتاب به وجود یک داستان عاشقی بین یک شاهزاده ایرانی و یک پرنسس کره‌ای از پادشاهی شیلا اشاره می‌شود. حتی پارک نیز در جریان سفر خود به تهران از این داستان یاد کرد.

۶۱



سیاست جهانی

البته کره‌ای‌ها فقط از میراث ایرانی وام نگرفتند، زیرا آنها در انتقال این میراث به همسایگان خود، بویژه ژاپن، نیز نقش داشتند. در حقیقت، شبه جزیره کره به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی خود از دیرباز در انتقال میراث‌های فکری و مادی نقاط مختلف به ژاپن نقش مهمی ایفا کرده است. البته چنین نقش واسطه‌ای کره همواره بطور مستقیم و داوطلبانه نبوده، و همچنین فرایند انتقال اشیا و ایده‌ها از طریق شبه جزیره کره به ژاپن همواره امری آنی و دائمی نبوده است. به طور مثال، در طول سلطه مغول‌ها، خود شبه جزیره کره به نوعی به کانون تعاملات بین‌المللی بین مردمانی از نژادها و فرهنگ‌های مختلف تبدیل شد. یک دلیل آن بود که مغول‌ها برای اداره بوروکراسی عریض و طویل خود به افراد توانمند زیادی از ملل مختلف، از جمله ایرانی‌ها، نیاز داشتند. بنابراین حتی زمانی که مغول‌ها از شبه جزیره کره و چین بطور کامل بیرون رانده شدند، میراث و تاثیر تعاملات بین‌المللی زمان سلطه آنها بزودی و به کلی از بین نرفت، هر چند فرصت روابط قبلی بین ملل مختلف برای چندین قرن آتی دچار اخلال جدی شد (Fenollosa, ۲۰۰۷: ۶۱).

تا آنجا که به تعاملات فرهنگی معاصر مربوط است، در جریان سفر اردشیر زاهدی به سئول در می ۱۹۶۹ دو کشور یک معاهده دوستی را به امضا رساندند. این اولین باری بود که ایران و کره جنوبی از زمان برقراری روابط رسمی دیپلماتیک خود در سال ۱۹۶۲ بطور زسمی توافق‌نامه‌ای را امضا می‌کردند. این توافق‌نامه بعداً زمینه‌های توسعه تعاملات فرهنگی بین دو کشور را بویژه در زمینه‌های ورزشی و آموزشی فراهم ساخت. در این راستا، تیم‌های

ملی ایران و کره جنوبی چندین مسابقه فوتبال دوستانه برگزار کردند، و هیات‌های آکادمیک متعددی نیز در فرصت‌های مختلف از ایران بازدید کردند. البته در جریان سایر تبادلات سیاسی و اقتصادی مقامات دو کشور نیز اغلب ابتکار عمل‌های فرهنگی مورد توجه قرار می‌گرفت. به طور نمونه، در جریان سفر جعفر شریف امامی، رئیس مجلس سنا و نخست‌وزیر قبلی ایران، به کره جنوبی در جولای ۱۹۷۸، انجمن دوستی کره-ایران راه‌اندازی شد (Lane, ۲۰۰۳: ۲۲۳-۲۲۵).

با این وجود، در بین تمام برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی ایران و کره جنوبی در دوره حکومت محمدرضا شاه پهلوی، احتمالاً هیچ اقدامی ماندگارتر از خواهرخواندگی شهرهای سئول و تهران نبود. ایده این طرح ابتدا در سال ۱۳۵۵ از طرف مسئولین شهر سئول مطرح گردید، و در نهایت به تبادل نام خواهرخواندگی دو پایتخت در سال بعد منجر گردید که برطبق آن یک خیابان در سئول به نام تهران و خیابانی در تهران به نام سئول نامگذاری شد. این کار در آن زمان نه تنها اقدام بی‌سابقه‌ای در رابطه کره جنوبی با کل منطقه خاورمیانه بود، در دهه‌های بعدی نیز به‌عنوان سمبل پردوام ارتباطات فرهنگی بین ایران و کره جنوبی باقی ماند.

حتی زمانی که دو کشور در مسائل سیاسی و اقتصادی بایکدیگر دچار چالش‌هایی شدند، نام این خیابان‌ها در دو کشور نقش مهم خود را هرچند بطور پنهان و ناملموس ایفا کردند. چنین نقشی انکارناپذیر بود، چرا که خیابان تهران در سئول عملاً به یکی از ثروتمندترین و باپرستیژترین خیابان‌ها در کل شبه جزیره کره تبدیل شد، اگرچه خیابان سئول در تهران چنین سرنوشت پرشکوهی را تجربه نکرد (MobileReference, ۲۰۱۰).

سقوط شاه و روی کار آمدن جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ بطور طبیعی برای مدتی بر مناسبات فرهنگی ایران و کره جنوبی تأثیر منفی برجای نهاد. یک دلیل این وضعیت آن بود که دو کشور برای حدود یک دهه روابط خود را از سطح سفیر به کاردار کاهش داده بودند. در این زمان، ایران همچنین بشدت درگیر مسائل ناشی از جنگ با عراق بود. در نتیجه، هر دو تحول در تأثیرگذاری بر ابعاد سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی بین ایران و کره جنوبی نقش قابل توجهی داشتند، اگرچه کره‌ای‌ها مصمم بودند تا در هر صورت مناسبات خود را با ایران حفظ کنند. از همه مهمتر آنکه، در طول آن سال‌ها جمهوری اسلامی در حوزه‌های فرهنگی

تمایل چندانی نداشت تا با خیلی از کشورها، بخصوص کشورهای غربی، تبادلات مهم و پردامنه‌ای انجام دهد (۱۳: ۱۹۹۶، Korea Muslim Federation).

اما در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و به‌ویژه خاتمی ایران به تعاملات غیرسیاسی با کشورهای دیگر علاقه نشان داد. و درحالی‌که هاشمی رفسنجانی بیشتر مبادلات اقتصادی و مالی با دیگر ملل توجه کرد، خاتمی بیشتر به حوزه مناسبات فرهنگی بین‌المللی پرداخت. با این وجود، هیچ‌یک از آن دو رئیس‌جمهور در روابط فرهنگی ایران با کشورهای شرق آسیا، از جمله کره جنوبی، تغییرات قابل ملاحظه‌ای بوجود نیاوردند. اگر کوتاهی دولت رفسنجانی در این زمینه به لحاظ درگیر شدن آن در مسائل سیاسی و اقتصادی تاحدودی قابل توجیه بود، از دولت خاتمی انتظار بود تا در این حوزه بیشتر فعالیت می‌کرد زیرا پروژه "گفتگوی تمدن‌های" وی از پتانسیل‌های بالایی برای ایجاد تحول قابل ملاحظه در روابط فرهنگی ایران و کشورهای شرق آسیا برخوردار بود.

برخلاف دوره‌های قبل، در زمان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد فرهنگ و مسائل فرهنگی در کم‌وکیف مناسبات ایران و کره جنوبی به یکباره تاثیر قابل توجهی پیدا کردند. در زمانی که حضور اقتصادی و فناوری کره جنوبی در ایران به اوج خود رسید، حتی برای بسیاری از کره‌ای‌ها هم تعجب‌آور بود که بطور ناگهانی شاهد درخشش فوق‌العاده محصولات فرهنگی خود در ایران باشند. همچنین این اتفاق با دوره ریاست جمهوری لی میونگ‌بک در کره جنوبی مصادف شد، و وی بیشتر از روسای جمهور قبلی کره به نقش فرهنگ در تعاملات اقتصادی این کشور با دنیای خارج توجه کرد. هدف اصلی آن بود تا بویژه از طریق کانال‌های فرهنگی و فعالیت‌های مرتبط دیپلماتیک، جوانان دیگر مناطق دنیا نظیر خاورمیانه را شیفته فرهنگ و محصولات فرهنگی کره‌ای نمود (Korean Culture and Information Service, 2011: 11).

بطور خاص، "جواهری در قصر" اولین سریال کره‌ای بود که توجه بسیاری از بینندگان ایرانی تلویزیون را بخود جلب کرد. این سریال تاریخی با جذب بیش از ۵۰ درصد بینندگان تلویزیونی توانست بسیاری از شهروندان ایرانی را شیفته خود کند. در مقایسه با "جواهری در قصر"، سریال "افسانه جومونگ" حتی از درخشش خیلی بیشتری در بین بینندگان تلویزیونی ایران برخوردار شد.

۶۳



سیاست جهانی

در حقیقت، هیچ‌یک از محصولات فرهنگی شرق آسیا در گذشته نتوانسته بودند از میزان شهرت و محبوبیت "افسانه جومونگ" در بین بسیاری از شهروندان ایرانی بهره‌مند گردند. البته نام اصلی این سریال در زبان اصلی فقط "جومونگ" بود، ولی در زبان فارسی با عنوان "افسانه جومونگ" دوبله و پخش گردید. در هنگام پخش این سریال، معمولاً افراد زیادی در مکان‌های عمومی مانند بیمارستان‌ها و ترمینال‌ها در برابر تلویزیون جمع می‌شدند تا تماشای هیچ‌بخش از این سریال تاریخی افسانه‌ای را از دست ندهند.

در طول سفر پارک به تهران نیز ایران و کره جنوبی توافق کردند تا هر کشور جداگانه برنامه‌های «سال تبادل فرهنگی کره-ایران» در ۲۰۱۷ را میزبانی کند. همچنین به‌منظور تسهیل مراودات مختلف فرهنگی بین دو کشور، قرار شد تا یک مرکز فرهنگی کره در تهران تاسیس شود. چنین اقداماتی نشان می‌داد که کره‌ای‌ها از موفقیت‌های سال‌های اخیر محصولات فرهنگی خود در ایران رضایت داشته، و درصدد آن بودند تا از فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در گسترش مناسبات خود با ایران در حوزه‌های دیگر بهره ببرند. از همه گذشته، چنین سیاستی بخشی از رهیافت کلی کره‌ای‌ها در سال‌های اخیر در زمینه ترویج "دیپلماسی فرهنگی" و بدست آوردن "قدرت نرم" در مناطق مختلف دنیا از جمله خاورمیانه بوده است (Kim, 2018: 98).

۷. ادغام‌شده در سیاست: نقش فرهنگ در تعامل با کره شمالی

در مقایسه با اشکال متعدد تعاملات فرهنگی ایران و کره جنوبی، حضور فرهنگی کره شمالی در ایران تقریباً غیرقابل تصور است. علی‌رغم تبلیغات زیاد رسانه‌ای بین‌المللی مبنی بر همکاری نزدیک بین جمهوری اسلامی و رژیم کمونیستی کره شمالی، ایرانیان به ندرت از فرصت تجربه فرهنگ کره شمالی بهره‌مند شده‌اند. ایرانیان خیلی اندکی این شانس را داشته‌اند تا یک فیلم یا سریال دوبله شده کره شمالی را از تلویزیون خود مشاهده کنند. همچنین به ندرت آنها در یک سالن تئاتر حضور یافته‌اند تا در آن یک گروه ارکستر دعوت شده از کره شمالی برایشان برنامه زنده اجرا کند. موزه‌های محلی و ملی در ایران هم به ندرت اشیاء و قطعات ارسال شده از کره شمالی را برای بازدید کنندگان خود به نمایش گذاشته‌اند. مبادلات فرهنگی بین ایران و کره شمالی در سایر حوزه‌های علمی و آموزشی نیز اغلب به همان نسبت نادر و دلسرد کننده بوده است.

با این وجود، بنظر می‌رسد که بجای فرهنگ و روابط فرهنگی محض، فرهنگ سیاسی نقش مهم‌تری در این بعد از تعاملات بین ایران و کره شمالی پیدا کرده است. بویژه فرهنگ سیاسی پیوند بین جمهوری اسلامی و کره شمالی عمدتاً خود را از طریق شبکه‌ها و رسانه‌ها نشان داده است، حتی زمانی که چنین کاری توسط نهادهای رسمی دو کشور صورت نگرفته است. تبلور چنین اشتراکی را شاید بتوان در تأکیدات گاه‌به‌گاه مقامات دو کشور مبنی بر نقاط مشترک فرهنگ سیاسی هر دو نظام حکومتی در برابر قدرت‌ها و ایثولوژی‌های رقیب شاهد بود (Panda, 2020: 213). مسئولین دو کشور اغلب در نشست‌های رسمی دیپلماتیک یا در حاشیه سمینارها و اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از روحیه مقاومت و تسلیم‌ناپذیری خود به عنوان یک ویژگی مشترک فرهنگ سیاسی دو کشور یاد کرده‌اند. بویژه سفرا و فرستادگان دیپلماتیک هر دو نظام سیاسی بارها در گفتگوها و مصاحبه‌های خود این بعد از فرهنگ سیاسی مشترک جمهوری اسلامی و رژیم کمونیستی کره شمالی را مورد یادآوری و تأکید مجدد قرار داده‌اند.

نتیجه‌گیری

از لحاظ سیاسی، تقریباً شش دهه روابط ایران با کره جنوبی بدون وقفه و اختلال جدی تداوم یافته است. حتی زمانی که دولت کره جنوبی به همکاری نزدیک با واشنگتن در قضیه تسخیر سفارت امریکا در تهران و سپس در جریان حمله امریکایی‌ها به طیس متهم شد، دولت جمهوری اسلامی واکنش خیلی تندی در برابر سئول از خود نشان نداد. در دهه‌های بعد نیز رهیافت پراگماتیستی تهران در قبال کره جنوبی کم‌وبیش ادامه یافت، و علی‌رغم نقش پررنگ امریکا در بروز برخی چالش‌های جدی در مناسبات تهران و سئول به‌ویژه در زمینه اجرای تحریم‌های تمام‌عیار بین‌المللی علیه مردم ایران، جمهوری اسلامی برخلاف منش متداول خود و بطور باورنکردنی به‌ندرت مایل بود تا رفتار کره‌ای‌ها را بگونه‌ای علنی مورد انتقاد شدید قرار داده یا آنها را به وابستگی و سرسپردگی در برابر امریکایی‌ها متهم کند. همچنین این رفتار کلی جمهوری اسلامی به نوعی از درک و همدردی با جهت‌گیری‌های نسبتاً عمل‌گرایانه کره جنوبی در امور بین‌المللی حکایت دارد. سیاست خارجی ایران در قبال کره شمالی نیز در طول حدود پنج دهه گذشته به همان اندازه محتاطانه و اغلب با دوراندیشی همراه بوده است. بخصوص در دوره جمهوری اسلامی، بطور کلی تهران تمایلی به نمایش

رفتارهای مرسوم احساسی و شتابزده در قبال پیونگیانگ نداشته، و بیشتر ترجیح داده است تا منافع مدنظر خود در آن کشور کمونیستی را اغلب در پشت‌صحنه و دور از چشم رسانه‌ها و افکار عمومی دنبال کند.

از منظر اقتصادی و مالی، ایران نیز مانند کره جنوبی منافع و مصالح بلندمدت خود را اغلب ستون اصلی سیاست‌سازی خود در برابر طرف مقابل قرار داده است. به‌ویژه در دورانی که دسترسی ایرانی‌ها به کالاها و فناوری‌های کشورهای غربی محدود یا اغلب غیرممکن شد، کره جنوبی بعنوان بخش مهمی از هدف نگاه به شرق تهران توانست پاره‌ای از خواسته‌ها و نیازهای روزافزون ایران در آن حوزه‌ها را تأمین نماید. همچنین کره جنوبی برای دهه‌های متمادی به‌عنوان یک خریدار عمده و وفادار نفت‌خام ایران باقی ماند، و این سیاست دوراندیشانه کره‌ای‌ها گاهی تهران را به دادن امتیازات و مشوق‌های فراوان به شرکت‌های کره در حوزه‌های مختلف ولی پرسود فعالیت در بازارهای ایران تشویق می‌کرد. در ارتباط با کره شمالی، خریدهای نظامی و مبادلات دفاعی بنیان اصلی روابط تجاری دو کشور را تشکیل داد. البته گاهی ایران بخشی از سفارش‌های نظامی دفاعی خود از کره شمالی را به شیوه تهاجری و بخصوص از طریق ارسال نفت‌خام و سایر محصولات انرژی جبران می‌کرد. ولی حتی در این حوزه نسبتاً متعارف تجارت بین‌الملل نیز عمدتاً تهران تمایلی به رسانه‌ای‌سازی یا مانور دادن بر سر مناسبات، چه پیدا و چه پنهان، خود با کره شمالی نداشته است.

در بعد فرهنگی، بدون شک ایرانی‌ها و کره‌ای‌ها دارای مشخصات و تفاوت‌های بارز فرهنگی خاص خود هستند، ولی چنین واقعیتی دولت‌های آنها را از توجه به فرهنگ و سرمایه‌گذاری بر آن بمنظور تحکیم یا گسترش روابط دوسویه در سایر حوزه‌ها باز نداشته است. بخصوص در یکی دو دهه اخیر، دولت جمهوری اسلامی بنا به مصالح خاص اقتصادی و فناوری خود به یکباره در برابر تبلیغ فرهنگ و محصولات فرهنگی کره‌ای در کشور تساهل قابل ملاحظه‌ای بخرج داد، و حتی رسانه‌های دولتی بخصوص صداوسیما در این زمینه میدان‌دار اصلی شدند. علی‌رغم آنکه ترویج ناگهانی و بی‌حساب و کتاب فیلم‌ها و سریال‌های کره‌ای با انتقادات داخلی زیادی از سوی هنرمندان مشهور ملی، صاحبان کسب‌وکارهای بزرگ، و حتی فعالین و مبلغین مذهبی مواجه شد، دولت جمهوری اسلامی تمام چنین واکنش‌های ناخوشایند داخلی و حتی تبعات مختلف فرهنگی بلندمدت ترویج فرهنگ کره‌ای بر جوانان را وجه‌المصالحه ضرورت دسترسی بیشتر به کالاها و فناوری‌های

کره در برابر فروش نفت بیشتر به این کشور قرارداد. اما برخلاف چنین سیاستی در قبال کره جنوبی، تأکید گاه‌به‌گاه مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی مبنی بر وجود اشتراکات فرهنگ سیاسی ایران و کره شمالی عمدتاً در حد بازتاب رسانه‌ای باقی مانده، و هیچ‌یک از نهادهای رسمی و دولتی برنامه یا حتی علاقه‌ای به تبلیغ یا ترویج فرهنگ کره شمالی در بین شهروندان ایرانی از خود نشان نداده‌اند.

منابع

- ۶۷
- Cronin, P.M. (Ed.). (2008), *Double Trouble: Iran and North Korea as Challenges to International Security*. Westport and London: Praeger Security International.
- Davidson, C.M. (2010), *The Persian Gulf and Pacific Asia: From Indifference to Interdependence*. New York: Columbia University Press.
- Erlich, R. (2019), *The Iran Agenda Today: The Real Story Inside Iran and What's Wrong with U.S. Policy*. Abingdon and New York: Routledge.
- ROK's Ministry of Foreign Affairs. (1996), *Wegyo munseo* [Diplomatic Archives]. Seoul: Ministry of Foreign Affairs.
- Wilber, D.N. (1976), *Iran: Past and Present*, Eighth Edition. Princeton: Princeton University Press.
- Buss, C.A. (1982), *The United States and the Republic of Korea: Background for Policy*. Stanford: Hoover Institution Press.
- Taylor, W. J. (Ed.). (1989), *The Future of South Korean-U.S. Security Relations*. Boulder, CO: Westview Press.
- IBP USA. (2011), *North Korea: Energy Policy, Laws and Regulations Handbook, Volume 1: Strategic Information and Development*. Washington, D.C.: International Business Publications.
- ROK's Ministry of Foreign Affairs. (2003), *Wegyo munseo* [Diplomatic Archives]. Seoul: Ministry of Foreign Affairs.
- Metzler, J.J. (2001), *Divided Dynamism – The Diplomacy of Separate Nations: Germany, Korea, China*. Lanham, MD: University Press of America.
- Dennis, A.J. (2001), *The Rise of the Islamic Empire and the Threat to the West*, Second Edition. Lima, OH: Wyndham Hall Press.
- Reese, D. (1998), *The Prospects for North Korea's Survival*, Adelphi Paper 323. New York: Oxford University Press for the International Institute for Strategic Studies.
- Economist Intelligence Unit. (1997), *Country Profile: South Korea, North Korea, 1997-98*. London: Economist Intelligence Unit (EIU).
- Brown, G.T. (1973), *Korean Pricing Policies and Economic Development in the 1960s*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Dent, C.M. (2002), *The Foreign Economic Policies of Singapore, South Korea and Taiwan*. Cheltenham, UK: Edward Elgar.
- Disney, N. (1977), "South Korean Workers in the Middle East," *MERIP Reports* 61: 22-24, 26.



سیاست جهانی

- Duncan, J.B. (2014), *The Origins of the Choson Dynasty*. Seattle, WA: The University of Washington Press.
- Fenollosa, E.F. (2007), *Epochs of Chinese and Japanese Art: An Outline History of East Asiatic Design*. Berkeley, CA: Stone Bridge Press.
- Field, G. (1995), *Economic Growth and Political Change in Asia*. London: Macmillan Press.
- Garver, J.W. (2006), *China and Iran: Ancient Partners in a Post-Imperial World*. Seattle: University of Washington Press.
- Hanieh, A. (2011), *Capitalism and Class in the Gulf Arab States*. New York: Palgrave Macmillan.
- Hapdong News Agency. (1987), *Korea Annual 1987*. Seoul: Hapdong News Agency.
- Kazemzadeh, M. (2020), *Iran's Foreign Policy: Elite Factionalism, Ideology, the Nuclear Weapons Program, and the United States*. Abingdon and New York: Routledge.
- Kim, B. (2017), *Unveiling the North Korean Economy: Collapse and Transition*. New York: Cambridge University Press.
- Kim, S. (2018), *K-pop Live: Fans, Idols, and Multimedia Performance*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Korea Muslim Federation. (1996), *Special Issue on the 40th Anniversary of Islam in Korea (1955–1995)*, Seoul: Korea Muslim Federation.
- Korean Culture and Information Service, (2011), *The Korean Wave: A New Pop Culture Phenomenon*. Seoul: Korean Culture and Information Service.
- Lane, G. (2003), *Early Mongol Rule in Thirteenth-Century Iran: A Persian Renaissance*. London and New York: RoutledgeCurzon.
- Metraux, D. (1992), "The Economy." In *South Korea: A Country Study*, Fourth Edition, edited by A. Matles Savada and W. Shaw, 135–196. Washington, D.C.: Library of Congress, Federal Research Division.
- MobileReference. (2010), *Travel Seoul, South Korea: Illustrated Guide, Korean Phrasebook and Maps (Mobi Travel)* [E-book]. Boston: MobileReference.
- Osiewicz, P. (2020), *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Between Ideology and Pragmatism*. Abingdon and New York: Routledge.
- Panda, A. (2020), *Kim Jong Un and the Bomb: Survival and Deterrence in North Korea*. New York: Oxford University Press.
- Robinson, D.M. (2009), *Empire's Twilight: Northeast Asia under the Mongols*. Cambridge, MA: The Harvard University Asia Center.
- Snyder, S. (2018), *South Korea at the Crossroads: Autonomy and Alliance in an Era of Rival Powers*. New York: Columbia University Press.
- The Financial Times. (1983), *Financial Times Oil and Gas International Year Book*. London: Longman.
- The World Bank. (1993), *The East Asian Miracle: Economic Growth and Public Policy – A World Bank Policy Research Report*. New York: Oxford University Press.
- Yager, J.A. (1984), *The Energy Balance in Northeast Asia*. Washington, D.C.: Brookings Institution.